

به تیم برنده نصرالله اعتماد کنیم

سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان در دومین سخنرانی خود از زمان تصمیم ترامپ برای انتقال سفارت امریکا به قدس گفت که به نمایندگی از محور مقاومت حرف می‌زند.



به گزارش آران نیوز: «محمد بابایی» در یادداشت روزنامه «جوان» نوشت:

سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان در دومین سخنرانی خود از زمان تصمیم ترامپ برای انتقال سفارت امریکا به قدس گفت که به نمایندگی از محور مقاومت حرف می‌زند. محوری که از اجزا و رنگ‌های مختلفی تشکیل شده اما در قالب یک هویت واحد گردهم آمده‌اند تا از مرزها، سرزمین‌ها، ارتش‌ها، دولت‌ها و از همه مهم‌تر ملت‌های خود دفاع کنند. حالا همه این هویت واحد را به نام «محور مقاومت» می‌شناسند که رهبری آن در تهران قرار دارد پس زیاد سخت نیست فهمید که منظور نصرالله از مقاومت چیست و او به نمایندگی از چه کسی حرف می‌زند.

نصرالله برخلاف سخنرانی اول که تلاش کرد در قالب یک «دولتمرد» موضع بگیرد در سخنرانی دوم در نقش یک رهبر ظاهر شد و با به رخ کشیدن عملکرد و توانایی‌های خود و مهم‌تر مسئولیت‌پذیری حزب الله، خواستار اعتماد به مقاومت و ترسیم دکترین منسجم و مشخص برای آزادسازی قدس شد. رهبران حزب الله معمولاً در نشان دادن موفقیت‌ها و نتایج عملکرد خود فروتن هستند اما هر زمان لازم باشد آن را به رخ جهانیان می‌کشند و کمتر کسی می‌تواند حقانیت و نتایج این جنبش را به چالش بکشد. هوشیاری و اقدام به موقع حزب الله در ورود به جنگ سوریه که به صورت علنی از نبرد قصیر کلید خورد هم اکنون نتایج خود را در البوکمال و دیرالزور با خرد کردن استخوان‌های شبه‌نظامیان داعش نشان می‌دهد.

از جنوب لبنان تا موصل و سامرا این رزمندگان حزب الله بودند که در ناکام گذاشتن توطئه تکفیری نقش پیشرو داشتند توطئه‌ای که دیگر برای همگان مشخص شده چگونه زاده التقاط استعمار با یک قبیله بدوی است. شاید به همین دلیل نیز است که حزب الله آماج تندترین و شدیدترین حملات ریاض، تل‌آویو و واشنگتن قرار دارد. این جنبش توانسته پس از گذشت چهار دهه به عنوان یکی از کلیدی‌ترین بازیگران منطقه‌ای عمل کند و برای کسی پوشیده نیست که این رزمندگان حزب الله لبنان هستند که در خطوط مقدم سرنوشت نبردها را تعیین می‌کنند.

در این میان سوریه نقطه عطفی محسوب می‌شود. جنگ در این کشور از همان ابتدا در سطوح چندبعدی و چندجانبه گره خورده بود و تنها گذشت زمان و مشخص شدن نتایج می‌توانست حقایق را آشکار کند. خیلی از ناظران از شروع شمارش سقوط دمشق حرف می‌زدند و آن را اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند اما حالا پس از گذشت شش سال فضای مه‌آلود جنگ سوریه از بین رفته و حقایق برای خیلی‌ها آشکار شده است. با آشکار شدن هویت واقعی داعش و القاعده و سایر گروه‌های تروریستی تحت حمایت غرب، رهبران مقاومت حالا با اعتماد به نفس و با اسناد بیشتری از نقش امریکا در قدرت‌یابی گروه‌های تروریستی تکفیری حرف می‌زنند.

این در حالی است که در اوایل بحران سوریه محور مقاومت به‌ویژه حزب الله لبنان تحت شدیدترین حملات تبلیغاتی قرار گرفت و خیلی‌ها انتظار داشتند این جنبش در باتلاق سوریه فرود رود و دیگر نتواند بازگردد. اما حالا پس از گذشت شش سال هم نتیجه و هم هویت واقعی بازیگران مشخص شده است. از یک سو مردمان سوریه و عراق بهتر از هر کسی می‌دانند بقای خود را مدیون خردمندی رهبران و تلاش‌های رزمندگان حزب الله هستند و از طرف دیگر این مقاومت است که پرچم پیروزی را در میدان‌های نبرد بالا می‌برد و به رشادت‌های خود افتخار می‌کند.

آنچه باعث شده حزب الله در طول چهار دهه گذشته نه تنها به حیات خود ادامه دهد بلکه قدرتمندتر از هر بحران بیرون آید و از یک بازیگر محلی به یک بازیگر منطقه‌ای با ارتباط فرامنطقه‌ای تبدیل شود توانایی تبدیل تهدید به فرصت بوده است. حزب الله در حالی وارد جنگ سوریه شد که رزمندگان این جنبش برای اولین بار مجبور بودند در یک سرزمین ناشناخته و دورتر از جنوب لبنان، آن هم به صورت تهاجمی عمل کنند.

پس از گذشت شش سال، امروز حزب الله به پدیده‌ای نادر در سطح منطقه‌ای تبدیل شده که فراتر از تحلیل‌های متعارف روابط بین‌الملل در حال ترسیم نظم منطقه‌ای جدیدی است که خارج از سلطه امریکا قرار دارد. با این نتایج، رهبران حزب الله حق دارند از همگان بخواهند با التیام زخم‌های ناشی از جنگ سوریه، «به محور مقاومت که در هر میدانی وارد شد پیروز بیرون آمد، اطمینان کنند.» اگر آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و جنگ تابستان ۲۰۰۶ را کنار بگذاریم، واقعیت‌های روی زمین در سوریه و عراق و حتی یمن باعث می‌شود کمتر کسی بتواند ادعای نصرالله را به چالش بکشد پس عقلانیت حکم می‌کند که گروه‌های منطقه‌ای خود را در کنار تیم برنده قرار دهند.